

پیام نوروزی!

روئیدن نرگس و یاسمن ، پرواز پرستوها و آوای بلبل در سراسر پرده گل ، چنین مژده می دهند : نوروز پای در رکاب دارد تا با اسب راهوار خود بر پلشته و پوسیدگی ، تاریکی و مرگ ، اندوه و عزا و گریه کردن و پایورانش بتازد . دستار بندان اما ، در هماره تاریخ براین پندار خویش بوده اند که نوروز به انکار آنان نیامده و می توانند رکاب از او برگیرند و راه برقراری کردن گوسقد بازگشایند . اینان براین باور خود پایی می فشارند ، لیک غافلنده به کوچه دیگری می روند که نوروز را بانوی بهار رکاب داراست ، که درگاه این بانوی عطر افshan ، دستیاری طبیعت است و اراده آنان و همه تاریک اندیشان نقش زدن بر آب است . نمی توانند و نخواهند توانست نگاه نرگس را از شقایق برگیرند و بر پیش کشی جام ارغوان به سمن پرده سانسور اندازند .

دست از بهار و نوروز که زور آورش می بینند شسته و بر شما که طلايه بهار، سبزی و سبزینگی، شادی و پایکوبی و دست افشاری و آواز را نماد زیستن میدانید، تاختند و برایتان شمشیر از رو می بندند.

ایرانیان آزاده !

سال ۷۹ ، سالی بود که اینان همه زمینه های زندگی را بر شما تنگ گرفتند . بر روش نگران ، جوانان ، زنان ، مطبوعات ، هنرمندان و در یک کلام بر هر کس که " دگراندیشش " نامیدند ، تاختند و گرفتند و به بند کشیدند و ... و بر کارنامه تغیین خود هزاران ورق دیگر افزودند که ای بسا چندی دیگر برزین مراد بنشیتد . اما می دانند که در جمال تاریکی و نور ، در ستیز طراوت و پوسیدگی و در جنگ بین مرگ و زندگی ، عزاداران را مفری نیست ، و پس از راه شمشیر آختن و گردن انداختن مفری می جویند ! چرا که می دانند شما معنی پیکار برای زیستان ، آزاد بودن ، برابر شدن ، دوست داشتن و ستون زیبائی را در یاد تاریخی تان ثبت کرده اید . می دانند که رکاب دار اسب همیشه راهوار شما نه تنها بانوی بهار که نوجوان تابستان ، زیبا روی پائیز و پیر سپیده موی زمستان است . وحشت و ترس دستار بندان رژیم جمهوری اسلامی از همین قدرت نهفته در شماست که یک از چندش را بهار داراست !

پس با سرنا و دهل ، پایکوبان و دست افشار به پیشوای نوروز برویم ، پنجره بر بهار بگشائیم ، که این بد سگلان از شادی ما در هراسند .

خسته باد نوروز تان !

کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی

۲۵ اسفند ۱۳۷۹

متشكل از :

حزب دمکرات کردستان ایران
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)